

ابلاغ حکم

**پرسش:** زوج مدتی است زندگی مشترک را ترک کرده و در خارج از کشور اقامت نموده است. زوجه تقاضای طلاق کرده و زوج را مجهول‌المکان اعلام داشته است. بر همین اساس با نشر آگهی خواننده به دادرسی دعوت شده و حکم غیابی درخواست وی صادر می گردد. این حکم چگونه به اطلاع زوج می رسد؟

پاسخ:

حکم غیابی طلاق مشمول مقررات مربوط به احکام غیابی (ماده ۳۰۵ به بعد آیین دادرسی مدنی) است و اگر محکوم علیه مجهول‌المکان اعلام شده باشد، حکم صادره با درج در روزنامه کثیرالانتشار ابلاغ قانونی می شود و پس از انقضای مهلت اعتراض قابل اجراست.

ابلاغ به شخص مجهول مکان

پرسش:

براساس ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی، چنانچه محل اقامت خواننده نامعلوم باشد، مفاد دادخواست یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار به درخواست خواهان و دستور دادگاه آگهی می شود. در صورت تجدید اوقات دادرسی آیا نشر آگهی مجدد ضرورت دارد؟

پاسخ:

مفاد دادخواست تنها یک نوبت آگهی می شود و سپس دادگاه تحقیقات و رسیدگی های لازم را معمول داشته و در صورتی که علیه خواننده رأی صادر نماید، حکم صادر شده به وسیله روزنامه کثیرالانتشار ابلاغ قانونی خواهد شد.

اجرای حکم غیابی

پرسش:

براساس تبصره ۲ ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی، اجرای حکم غیابی منوط به معرفی ضامن معتبر یا اخذ تأمین مناسب از محکوم‌له خواهد بود. آیا این تبصره در احکام غیابی راجع به طلاق قابلیت اجرا دارد؟ چه نوع تأمینی از محکوم‌له اخذ می شود؟

پاسخ:

تبصره این ماده انصراف به مواردی دارد که اجرای حکم متضمن تصرف در دارایی محکوم علیه باشد. اجرای صیغه طلاق ضرر مالی به محکوم علیه وارد نمی کند. بنابراین اخذ ضامن در این قبیل موارد منتفی است.

واخواهی

پرسش:

برای رسیدگی به واخواهی محکوم علیه نسبت به حکم غیابی، آیا تعیین جلسه رسیدگی الزامی است یا در وقت فوق العاده نیز می توان رسیدگی و نسبت به صدور حکم اقدام نمود؟

پاسخ:

با توجه به مواد ۳۰۵ و ۲۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی، در واخواهی از حکم مدنی تعیین وقت رسیدگی و دعوت واخواه و واخوانده ضروری است.

فراجام خواهی

پرسش:

ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی مقداری مهم است. اگر در پرونده ای حقوقی، خواسته بیش از ۲ میلیون تومان بوده و تقاضای تجدیدنظرخواهی شده باشد، آیا رأی صادر شده قابل فرجام نیز می باشد؟

پاسخ:

به موجب بند ۱ شق (الف) ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی، احکامی که خواسته آنها بیش از مبلغ ۲۰ میلیون ریال است، در صورتی که نسبت به آنها درخواست تجدیدنظر نشده باشد، قابل فرجام هستند؛ اما چنانچه در موعد قانونی نسبت به حکم صادر شده تقاضای تجدیدنظر شده باشد، دیگر موضوع قابل فرجام نیست.

اعاده دادرسی نسبت به حکم تأیید شده

اگر حکم دادگاه بدوی در دادگاه تجدیدنظر تأیید شود، تقاضای اعاده دادرسی به کدام دادگاه داده می شود؛ دادگاه بدوی یا دادگاه تجدیدنظری که حکم قطعی داده است؟

پاسخ:

برابر ماده ۴۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی،

پرسش از شما



پاسخ از ما

دادخواست اعاده دادرسی به دادگاهی داده می شود که حکم مورد ادعای اعاده دادرسی را صادر نموده است.

هزینه دادرسی برابر ارزش معاملاتی

پرسش:

در پرونده هایی که هزینه های دادرسی برابر ارزش معاملاتی منقذهای دریافت می شود (دعای غیرمنقول)، تمبر وکالتی وکیل خواهان باید تأخیر تأدیه تنظیم کرده اند، خواهان می تواند خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه نماید. این خسارت چگونه محاسبه می شود؟

پاسخ:

به موجب قسمت اخیر بند ۱۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، در دعای مالی غیر منقول و خلع ید از اعیان غیرمنقول از نقطه نظر صلاحیت، ارزش خواسته همان است که خواهان در دادخواست خود تعیین می نماید؛ اما هزینه دادرسی باید مطابق ارزش معاملاتی املاک در هر منطقه تقویم و براساس آن هزینه دادرسی پرداخت شود.

بنابراین بهای خواسته همان است که خواهان در دادخواست معین نموده است. قسمت اخیر بند ۱۲ ماده ۶ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت صرفاً ناظر به هزینه های دادرسی است. در آن دسته از دعای که خواسته دعوا از طرف خواهان براساس قانون تقویم می شود، تمبر وکالت نیز باید بر همان اساس ابطال گردد.

براساس همان خواسته حسب مورد قابلیت تجدیدنظر خواهد داشت.

وصول مابقی محکوم به

پرسش:

چنانچه ارزش مالی که از سوی محکوم علیه برای وصول محکوم به معرفی شده، کمتر از مبلغ مورد حکم و اجراییه باشد، آیا محکوم له می تواند تقاضای اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی درباره محکوم علیه را بنماید؟

پاسخ:

با توجه به ماده ۱۵۱ اجرای احکام مدنی، در مورد تأدیه در صورتی که وجوه حاصل شده کمتر از میزان محکوم به و هزینه اجرایی باشد، به درخواست محکوم له از سایر اموال محکوم علیه توقیف می شود و اگر مال دیگری به دست نیاید، محکوم علیه به تقاضای محکوم له بازداشت می شود.

خسارت تأخیر تأدیه

پرسش:

در مورد سفته هایی که منتهی به واخواست شده و طرفین قراردادی درباره خسارت تأخیر تأدیه تنظیم کرده اند، خواهان می تواند خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه نماید. این خسارت چگونه محاسبه می شود؟

پاسخ:

دادگاه برابر ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی اقدام می نماید.

هزینه دادرسی

پرسش:

هرگاه دعوی الزام به تنظیم سند علیه خواندگان متعدد مطرح شود و دادگاه حکم به الزام تنظیم سند صادر کند؛ اما یکی از خواندگان تقاضای تجدیدنظر نماید و هزینه دادرسی را پرداخت کند، چنانچه سایر خواندگان نیز بخواهند نسبت به همان حکم اعتراض نمایند، آیا باید هزینه دادرسی جداگانه ای پرداخت کنند؟

پاسخ:

اگر تجدیدنظرخواهی خواندگان به موجب یک دادخواست باشد، یک هزینه دادرسی برای تمام آنها کفایت می کند؛ اما اگر بخواهند به موجب درخواست های جداگانه تقاضای تجدیدنظر نمایند، هر یک از آنها باید جداگانه هزینه را پرداخت کرده و دادخواست را با رعایت شرایط و تریبات قانونی به دفتر دادگاه بدهند.

افزایش بهای خواسته

پرسش:

اگر خواننده در جلسه اول رسیدگی به میزان خواسته ایراد وارد کند و خواهان با پذیرش ایراد، مبلغ خواسته را افزایش دهد، آیا دادگاه مکلف است برای تعیین ارزش خواسته موضوع را به کارشناس ارجاع دهد؟

پاسخ:

در صورت اعتراض خواننده به میزان خواسته، چنانچه خواهان خواسته را تا حدی افزایش دهد که تأثیری در صلاحیت مراحل بعدی نداشته باشد، موضوع مورد اعتراض منتفی می شود و اگر خواهان خواسته را با توافق خواننده افزایش دهد، به طریق اولی اعتراض رفع شده است.

اعسار از پرداخت هزینه دادرسی

پرسش:

در دادخواست مطالبه مهریه، خواهان تقاضای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی را تقدیم کرده و اصل دادخواست از طریق پست به دادگاه رسیده؛ اما خواهان خود در جلسه دادرسی حاضر نشده است. حال خواهان نسبت به هزینه دادرسی چه وظیفه ای دارد؟ آیا محکوم به پرداخت هزینه دادرسی می شود؟

پاسخ:

از آنجا که ارانه دادخواست اعسار بدون دلیل است، دادگاه ابتدا دادخواست اعسار را رد کرده و پرونده را به دفتر ارسال می نماید و مراتب به خواهان اعسار ابلاغ می شود تا نسبت به پرداخت هزینه دادرسی اقدام کند. سپس نسبت به اصل دعوا که مطالبه مهریه است، تعیین وقت نموده و مجدداً طرفین را برای رسیدگی به اصل دعوا دعوت می کند.

شماره های واحد مشاوره تلفنی قضات و اعضای شوراهای حل اختلاف کشور ۰۲۱-۸۸۴۰۴۳۴۳ و ۰۱۹۱۹ و ۰۲۱-۸۸۴۰۴۳۴۳

نشست قضایی دادگستری ساری

پرسش:

آیا در تقدیم دادخواست اعسار از پرداخت هزینه دادرسی و اعسار از محکوم به، دادستان نیز به عنوان خواننده طرف دعوا واقع می شود؟

پاسخ:

اتفاق نظر

دادستان در دعوی اعسار از هزینه دادرسی و محکوم به طرف دعوا قرار نمی گیرد؛ زیرا: ۱- درخصوص اعسار از محکوم به ماده ۲۱ قانون اعسار به صراحت دعوا را متوجه محکوم له دعوی اصلی دانسته و ماده ۲۴ همین قانون نیز عدم قابلیت طرح دعوا به طرفیت دادستان را پیش بینی کرده است.

۲- در مورد اعسار از هزینه دادرسی با وجود این که ماده ۶۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۸ طرف دعوا قرار گرفتن دادستان را مورد پذیرش قرار داده؛ اما ماده ۵۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ که به موجب ماده ۵۲۹ خود تمام قوانین مغایر را نسخ کرده، در مقام بیان و جایگزینی ماده ۶۹۷ قید دادستان را حذف و دعوا را به طرفیت طرف دعوی اصلی قابل طرح دانسته است.

۳- در نظریه شماره ۷۷۱۷۹ مورخ ۲۸ مهر ۱۳۸۰ اداره حقوقی آمده است: «با توجه به ماده ۵۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیازی به ابلاغ وقت به رئیس دادگستری و دعوت مشارالیه نیست و قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۸ منسوخ است.»

۴- نظریه شماره ۷۲۹۵۳ مورخ ۳۰ تیر ۱۳۸۱ اداره حقوقی اشعار می دارد: «دعوی اعسار از محکوم به به طرفیت محکوم له و دعوی اعسار از هزینه دادرسی به طرفیت خوانده یا طرف دعوی اصلی اقامه دعوی می شود و در هر حال نیازی به طرح دعوا به طرفیت رئیس دادگستری یا دادستان نظامی نیست.»

۵- در نظریه شماره ۷۲۹۴۳ مورخ ۱۶ تیر ۱۳۸۲ اداره حقوقی آمده است: «با توجه به ماده ۱۶ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و ۵۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی که مقرر داشته مدیر دفتر نسخه دیگر دادخواست را برای طرف اصلی ارسال و ابلاغ می نماید، دعوی اعسار به طرفیت آن علیه رئیس دادگستری یا دادستان نیست.»

بر این اساس، نظر به این که با طرح دعوا قرار دادن دادستان یا رئیس دادگستری از سوی مدعیان اعسار بخش عمده ای از اوقات مدیران دفاتر دادگاه ها صرف تنظیم و ارسال دعوت نامه ها و نسخه دوم دادخواست برای دادستان ها می شود و متقابلاً دادرسان نیز باید وقت زیادی را مصرف پاسخگویی کنند. نیازی به طرح دعوا به طرفیت رئیس دادگستری یا دادستان نظامی نیست.

نظر به گروه

به موجب ماده ۲۲ قانون اعسار در رسیدگی به دعوی اعسار از پرداخت محکوم به این دعوا باید به طرفیت محکوم له دعوی اصلی و درخصوص برگه اجرای ثبت اسناد به طرفیت متعهده ل اقامه شود. پیش از این، مطابق ماده ۶۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۸ اصلاحات بعدی آن تا آخر دی ماه ۱۳۴۹ دعوی اعسار از هزینه دادرسی به طرفیت دادستان اقامه می شد؛ اما بعدها با توجه به مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، قید دادستان حذف شد. ماده ۵۲۹ قانون مذکور که مقرر داشته است: «از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۸ و الحاقات و اصلاحات آن و مواد ۱۸ و ۱۹ و ... قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ و سایر قوانین و مقررات در موارد مغایر ملغاً می شود؛ مؤید آن است که دیگر دادستان طرف دعوا قرار نمی گیرد. برابر ماده ۵۰۷ همین قانون در رسیدگی به دعوی اعسار از هزینه دادرسی مدیر دفتر موظف است صرفاً به مدعی اعسار اخطار کند که در روز مقرر شهود خود را معرفی نماید.

**نشست قضایی محاکم تجدیدنظر استان مازندران**

پرسش:

شخصی که ملک وی در طرح تعریض جاده بین شهری توسط اداره راه و ترابری قرار دارد، دادخواستی به طرفیت آن اداره تسلیم کرده و بهای ملک خویش را خواستار شده است. نامبرده در ستون بهای خواسته مبلغ خواسته را ۳ میلیون و یک ریال تقویم و اضافه کرده است که هزینه کامل دادرسی را پس از اظهارنظر کارشناس و مشخص شدن مبلغ دقیق ارزش ملک برابر بند ۱۴ ماده ۳ قانون وصول درآمدهای دولت پرداخت خواهد کرد. در ماده مذکور، منظور از این که هزینه پس از صدور حکم پرداخت خواهد شد، حکم بدوی است یا حکم قطعی؟

چنانچه با جلب نظر کارشناس ارزش قطعی ملک مشخص شود، با ابلاغ نظر به خواهان از طریق صدور اخطار رفع نقص، آیا خواهان می تواند در فرجه قانونی دادخواست اعسار از پرداخت هزینه دادرسی را تهیه و تسلیم کند؟ در این فرض، تکلیف دادگاه رسیدگی کننده در جهت ادامه رسیدگی به دعوی اصلی چیست؟

پاسخ:

اتفاق نظر

در فرض پرسش ارزش خواسته از نظر

نشست قضایی دادگستری های کشور

اندیشه های قضایی



خواهان غیرقابل تقویم نبوده است؛ چراکه نمی توان پذیرفت ارزش متعارف ملک؛ یعنی بهایی که مالک خود را مستحق دریافت آن می داند، در زمان تسلیم دادخواست نامشخص باشد. از سیاق عبارت بند ۱۴ ماده ۳ قانون وصول دریافته می شود که منظور از عبارت «صدور حکم» حکم بدوی است نه قطعی.

اعمال بند ۱۴ از ماده ۳ برای بعد از صدور حکم بدوی باید در جایی دانست که خواهان برنده دعوا خواهد شد؛ و الا اگر دعوی او رد شود، وصول هزینه دادرسی با مشکل روبه رو خواهد شد. از این رو اصلاح این بند لازم به نظر می رسد. ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی نیز تسلیم دادخواست اعسار را هم به همراه دادخواست بدوی، تجدیدنظر و فرجام پذیرفته هم تقدیم آن را به صورت مستقل قبول کرده است. قسمت اخیر همین ماده مؤید آن است که به محض مشخص شدن مبلغ واقعی خواسته، با صدور ابلاغ اخطار رفع نقص، خواهان باید ظرف ۱۰ روز، هزینه دادرسی را بپردازد یا در همین فرصت به ارائه گواهی تسلیم دادخواست اعسار (دادخواست معافیت موقت از پرداخت هزینه رسیدگی) اقدام کند. بدیهی است که محکمه اخیر مکلف خواهد بود تا تعیین تکلیف ارسال و ابلاغ آن روز جلسه دادرسی را تعیین و ابلاغ می نماید، دعوی اعسار به طرفیت طرف اصلی دعوا اقامه می شود و نیازی به طرح آن علیه رئیس دادگستری یا دادستان نیست.»

بر این اساس، نظر به این که با طرح دعوا قرار دادن دادستان یا رئیس دادگستری از سوی مدعیان اعسار بخش عمده ای از اوقات مدیران دفاتر دادگاه ها صرف تنظیم و ارسال دعوت نامه ها و نسخه دوم دادخواست برای دادستان ها می شود و متقابلاً دادرسان نیز باید وقت زیادی را مصرف پاسخگویی کنند. نیازی به طرح دعوا به طرفیت رئیس دادگستری یا دادستان نظامی نیست.

بر این اساس، نظر به این که با طرح دعوا قرار دادن دادستان یا رئیس دادگستری از سوی مدعیان اعسار بخش عمده ای از اوقات مدیران دفاتر دادگاه ها صرف تنظیم و ارسال دعوت نامه ها و نسخه دوم دادخواست برای دادستان ها می شود و متقابلاً دادرسان نیز باید وقت زیادی را مصرف پاسخگویی کنند. نیازی به طرح دعوا به طرفیت رئیس دادگستری یا دادستان نظامی نیست.

بر این اساس، نظر به این که با طرح دعوا قرار دادن دادستان یا رئیس دادگستری از سوی مدعیان اعسار بخش عمده ای از اوقات مدیران دفاتر دادگاه ها صرف تنظیم و ارسال دعوت نامه ها و نسخه دوم دادخواست برای دادستان ها می شود و متقابلاً دادرسان نیز باید وقت زیادی را مصرف پاسخگویی کنند. نیازی به طرح دعوا به طرفیت رئیس دادگستری یا دادستان نظامی نیست.

نشست قضایی دادگستری یرد

پرسش:

شخصی به دیگری وکالت می دهد که ملک او را بفروشد و وکیل ملک را بدون این که میزان ثمن را در سند رسمی قید کند، به شخص ثالث می فروشد. پس از مدتی وکیل قوت می کند و احراز دقیق ثمن رد و بدل شده بر دادگاه مشخص نیست. آیا معامله به علت مجهول بودن مبلغ ثمن غیر نافذ است؟

پاسخ:

الف) نظر اکثریت

علم طرفین از جمله وکیل به میزان ثمن - حتی اگر در بیع نامه (قولنامه) ذکر نشده باشد- موجب جهل به یکی از عوضین نیست و اگر موکل نتواند دلیلی بر جهل وکیل به ثمن معامله بیاورد، طبق اصولی همچون «اصل الصحه» و اصل «عقلائی بودن معاملات» بیع به طور صحیح واقع شده است.

ب) نظر اقلیت

با توجه به عدم درج ثمن در قولنامه و فوت وکیل رعایت مصلحت موکل به عمل نیامده و برابر ماده ۶۶۷ قانون مدنی چنین معامله ای غیر نافذ است.

نظر به گروه

گاهی تقویم خواسته با توجه به اوضاع و احوال موجود مقدور نیست. به همین دلیل خواهان مبلغی را به عنوان خواسته اعلام و متذکر می شود پس از مشخص شدن ارزش خواسته هزینه دادرسی را خواهد پرداخت. قبول این درخواست، قانونی و فاقد اشکال است و پس از صدور حکم از سوی دادگاه بدوی خواهان باید هزینه دادرسی را بپردازد؛ و الا حکم صادر شده نسبت به مازاد خواسته محکوم به بطلان دادخواست است.

بدیهی است که در فرض این قضیه، قبول اعسار برای پرداخت هزینه دادرسی موقعیت قانونی ندارد؛ زیرا خواهان در زمان تقدیم دادخواست با اعلام ملائت خود گفته است که در اینجاست که هزینه دادرسی را مطابق نظر کارشناس تقدیم خواهد کرد و با این وصف دیگر موردی برای قبول اعسار وی از پرداخت هزینه دادرسی نیست.

نشست قضایی دادگستری تبریز

پرسش:

در دعوی مطالبه مهریه که توسط زوجه علیه زوج اقامه شده، حکم اعسار خواهان از پرداخت هزینه دادرسی صادر شده است. زوجه در جریان دادرسی به جهت سازش با زوج دعوی خود را مسترد کرده و قرار رد

دعوی وی مطابق بند (ب) ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی صادر شده است. بعد از یک هفته و قبل از قطعیت قرار مذکور، زوجه مجدداً اقدام به طرح دعوی مطالبه مهریه علیه زوج می کند. آیا حکم اعسار قبلی در دعوی اخیر قابل ترتیب اثر است؟

پاسخ:

الف) نظر اکثریت

با عنایت به نظر صریح ماده ۵۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی نص به این که زوجه دعوی جدیدی اقامه کرده است و چون معافیت از پرداخت هزینه دادرسی باید برای هر دعوا به طور جداگانه تحصیل شود، از این رو ضرورت دارد دعوی اعسار از هزینه دادرسی مجدداً طرح شود؛ اما حکم اعسار قبلی فقط می تواند دلیل جدیدی برای ادعای اعسار جدید باشد.

ب) نظر اقلیت

آنچه از کلمه «دعوا» در ماده ۵۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی استنباط می شود دعوی مختلف فیه از حیث متعارف ملک؛ و موضوع است. در مانحن فیه دعوی مطرح شده اصلی با عنوان مطالبه مهریه از لحاظ منشأ، اصحاب و موضوع یکی هستند. زوجه طی دادخواستی جداگانه می توانست دادخواست اعسار از پرداخت هزینه دادرسی از بابت مطالبه مهریه بدون طرح دعوی مطالبه مهریه مطرح کند و حکم به اعسار صادر شده تا فرجه معقول قابل استناد می بود. قرار رد دعوی صادر شده نسبت به مطالبه مهریه قابل تفسری به دعوی اعسار نیست؛ چراکه احکام مزبور منشأ مختلف داشته و چون ماهیت دعوی اول و اخیر یکی است، اعتبار حکم اعسار از پرداخت هزینه دادرسی به قوت خود باقی است و این حکم در دعوی اخیر قابل ترتیب اثر می باشد.

نظر به گروه

حکم اعسار از هزینه دادرسی به معنای معافیت موقت معسر از پرداخت هزینه دادرسی است که به لحاظ عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی وی به مال خود صادر می شود. با توجه به مقررات ماده ۵۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ معافیت از هزینه دادرسی باید برای هر دعوا به طور جداگانه تحصیل شود؛ مگر این که حکم اعسار از پرداخت هزینه دادرسی دعوی مطالبه مهریه سابق که منتهی به صدور قرار رد دعوا شده، از نظر اقرارن زمانی به اندازه ای به دعوی حاضر نزدیک باشد که زوجه با استناد به حکم اعسار قبلی، خود را از پرداخت هزینه دادرسی ناتوان و عاجز معرفی کند که به هر تقدیر تشخیص آن با دادگاه خواهد بود.

**نشست قضایی دادگستری دامغان**

پرسش:

با توجه به تبصره ۱ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری و مفاد رأی وحدت رویه شماره ۶۲۸ مورخ ۳۰ شهریور ۱۳۷۷ تعیین مجازات کمتر از یک سال برای متهم ممنوع است. آیا این محدودیت به جرایمی که در حکم کلاهبرداری هستند، مانند ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر، تحصیل متقلبانه گواهی حصر وراثت موضوع ماده ۹ قانون تصدیق انحصار وراثت و یا موضوع مواد ۱۰۷ و ۱۱۷ قانون ثبت نیز تسری دارد؟

پاسخ:

تعیین مجازات کمتر از یک سال برای این گونه متهمان ممنوع است؛ زیرا ماده ۱ قانون راجع به انتقال مال غیر تعیین مجازات را به ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی سابق احاله کرده و در آن مجازات کلاهبرداری تعیین شده است و قیود مندرج در رأی وحدت رویه شامل بزهکاران جرایم در حکم کلاهبرداری نیز می باشد.

الف) نظر اکثریت

تعیین مجازات کمتر از یک سال برای این گونه متهمان ممنوع است؛ زیرا ماده ۱ قانون راجع به انتقال مال غیر تعیین مجازات را به ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی سابق احاله کرده و در آن مجازات کلاهبرداری تعیین شده است و قیود مندرج در رأی وحدت رویه شامل بزهکاران جرایم در حکم کلاهبرداری نیز می باشد.

ب) نظر اقلیت

با توجه به این که رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور در مقام تبصره ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری صادر شده، از این رو ناظر به جرایم در حکم کلاهبرداری نمی باشد و دادگاه طبق ماده ۲۲ و اصل تفسیر به نفع متهم نمی تواند مجازات را تخفیف دهد.

نظر به گروه

در ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر به صراحت بیان شده است شخصی که مال غیر را به دیگری منتقل کند، کلاهبردار محسوب می شود و به مجازات کلاهبرداری محکوم می شود و به این موضوع که انتقال مال غیر در حکم کلاهبرداری می باشد، اشاره ای نشده است.

از سویی، نص صریح ماده ۹ قانون تصدیق انحصار وراثت کسی را که با علم به عدم وراثت گواهی وراثت اخذ نماید، کلاهبردار محسوب نموده و مقرر داشته است؛ چنین شخصی علاوه بر ادای خسارت به مجازاتی که به موجب قانون برای این جرم مقرر شده است، محکوم خواهد شد.

برابر ماده ۱۰۷ قانون ثبت نیز در صورتی که امین تقاضای ثبت ملک مورد امانت را بنماید، کلاهبردار محسوب می شود. در مواردی که ملکی با سند عادی به دیگری واگذار و سپس با سند رسمی به شخص دیگری فروخته شود، طبق ماده ۱۱۷ قانون ثبت این عمل کلاهبرداری است. در هیچ یک از مواد یاد شده ذکری از در حکم کلاهبرداری نشده است و رأی وحدت رویه شماره ۶۲۸ مورخ ۳۰ شهریور ۱۳۷۷ نسبت به موارد اعلامی نیز قابل اعمال می باشد.



اختلافات، یک کلام و یک پیام «عیب جویی»، مصاحبه سفیر آمریکا با آیت... فیروزآبادی، مجلس و پارلمان در انگلستان، ۲۴ ساعت از زندگی رضاخان و ده ها مطلب حقوقی و انگلیسی در ترویج موادمخدر در ایران، حکایت «ترشی بخورم یا نخورم»، حکمت «حکمت در حقوقی دادگستر منتشر شده است.

معرفی نشریه...

سی و ششمین شماره مجله حقوقی دادگستر منتشر شد

اشخاصی که در امور سمعی و بصری دخالت غیرمجاز می کنند، احکام قاچاق کالا و ارز، بررسی حقوقی توقیف دادرسی در دعوی تقسیم ترکه و مطالبه سهم الارث می باشد. مطالب دیگری نیز در این شماره نشریه به چشم می خورد که از جمله آن تخلفات انتظامی قضات، پرسش و پاسخ قضایی، نشست های قضایی قضات دادگستری، نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه، گزیده آرای دیوان عدالت اداری و غیره می باشد. خوانندگی های تاریخی قضایی از عدلیه شامل اولین تظاهرات دانش آموزی در ایران، «قرارداد شکر» مختار حدیدی، نقش تاریخی انگلیس در ترویج موادمخدر در ایران، حکایت «ترشی بخورم یا نخورم»، حکمت «حکمت در حقوقی دادگستر شماره مجله حقوقی دادگستر منتشر شد حسن رحیمی در یکصد صفحه منتشر شد. مطالب چاپ شده در این شماره نشریه شامل مقالات حقوقی با عناوینی چون استقلال قضایی، نقد و بررسی پیش نویس لایحه قانون آیین دادرسی کیفری، حمایت از محیط زیست در فقه و حقوق موضوعه، جواز برداشت از حساب ضامن و متعهد به منظور وصول مطالبات، خودکشی در حقوق جزای اسلام، قوانین و مقررات حاکم بر مؤسسات و شرکت های دولتی، بررسی جرم جعل رایانه ای در حقوق ایران، مسئولیت قدرت اشغالگر در مقابل جرایم ارتكابی، برابری و انصاف (وجه التزام در رویه قضایی)، نقد و تحلیلی بر مجازات